

هُوَ الحافظ القدير

ای حیّ توانا و مولای بیهمتا تو دادرس ضعیفانی و یگانه ملجاء اولیاء . پناه خسته دلانی و دستگیر هر درمانده بینوا . قطرات دم شهیدانت را منتقم جباری و اسیران دام جفا را ناجی و منقذی قهار . از مکمن اعلی نظری باهل وفا و سرمستان جام بلا نما و از پس پرده غیب ، قوت دیرینه آشکار کن . صفوف اشقیا را درهم شکن و جمیع اودّا را تألیف و رونقی ده . اشرار حقود و جسور را مقهور و نابود کن و اصفیای مظلوم را آزار و سر افراز فرما . اولیای امور را در این واقعه جانسوز بشاهراه عدالت دلالت کن و جمهور ناس را در خاور و باختر بر این وقایع هولناک مطلع و آگاه فرما . ملائکه ناشرات را بکشف حقایق مجهوله مامور کن و ضمائر پاکدلان را بیدار فرما . اقویای ارض را بر نصرت و حمایت این فئه بی گناه مبعوث فرما و آه غمزدگانرا رتّه در آفاق بخش . تو شاهد و آگاهی که در این طوفان اخیر محرّکین پر تدلیس و علمای چون ابلیس چه فسادى برپا نمودند و چه آتشی برافروختند . جهّال عوام چه لئامت و دنائتی نمودند و چه رعب و آشوبی در قلوب ساده دلان بینداختند . اشرار بسبّ لعن زبان گشودند و پرده شرم و حیا بدریدند . ابرار جام شهادت نوشیدند و بازماندگان بی سرو سامان زهر هر بلائی چشیدند . طفل معصوم را جسد قطعه قطعه نمودند و زنان پرده نشین را در معرض فدا بشکلی فظیع مقتول ساختند ، اموال بتالان و تاراج بردند و مسکن و مأوى بیچارگان را آتش زدند . هیکل آغشته بخون پسر نازنین را بدست پدر پیر ناتوان در کوچه و بازار بر خاک کشاندند و بسنان و شمشیر ، آن هیاکل مقدسه خون آلود را شرحه شرحه نمودند و بلهیب نار سپردند . ای منقذ قدیر ، این بلایای متوالیه تا کی و این تضییقات شدید تا چند ؟ عشاق پر شوق و انتظارت را در چنگ ظالمان ارض مبتلا کردند تو دانی که درماندگان را صبر و قرار ی نمانده و زمام تدبیر از کف برفته . پس ید اقتدار از جیب مشیت برون آر و آمال هشتاد ساله عزیزانت را در عرصه شهود جلوه ده . جز تو نداریم جز تو شناسیم . بر عون و عنایت متوکّلم و بوعود حتمیه ات شاد و مطمئن . ای بیننده شنوا ، قدرتی بنما و فرحی عطا کن . این امر نازنینت را بمقامی منیع برسان و مرتکبین این عمل شنیع را مجازاتی سریع ده . خاصانت را از قید اسارت پر ملال برهان و بر مسند رفعت بی زوال بنشان . سراج آزادی وجدان را در قلب آن سامان بر افروز و ظلام دیجور اوهام را محو و زائل کن ، تا انجمن روحانیان در آن بلدان نفس راحتی برآرند و

حیاتی تازه جویند . دوره ای جدید از سر گیرند و بساط تبلیغ به آزادی و شادمانی بگسترانند . قدم بمیدان عمل گذارند و قیامی عاشقانه نمایند . علم همت برافرازند و ولوله در اقالیم شرق اندازند . زمام را بدست گیرند و هیأت اجتماعی را احیاء فرمایند بر ملاء کوس " یا بها " زنند و دریاق اعظم را بعلیلان تشنه لب رسانند . مبادی سامیه حضرت بهاء الله را علی رؤس الاشهار فریاد زنند و مردگان ناسوت را از نسائم یوم موعود حیات و نشئه ای جدید بخشند . ارکان مدنیت الهیه بنهند و قصر مشید وحدت عالم انسانی مرتفع سازند مصدر اختراعات عظیمه گردند و مرکز اکتشافات عظیمه شوند . اسم اعظم را مشتهر در آفاق گردانند و عالم ادنی را مرآت جهان بالا نمایند . توئی مجیر توئی دستگیر توئی مقتدر و توئی توانا .

بنده آستانش " شوقی "